

تاریخ نویسی امیر خسرو دهلوی

(۲)

سلاطین مثالی برای رعایای خویشند و رعایا از ایشان پیروی می کنند (۱)

لشکر شرق و غرب بعد ازین از هم جدا شدند. قبل از آنکه لشکرها آخر کت کنند معزالدین کیقباد پدر اهنگامی که هر دو تنها بودند ملاقات کرد. درین دیدار به قول امیر خسرو بغیر اخان پسر راتنبیه کرد و او را ملنفت ساخت که از مشاورین بد خواه حذر کند. دو پادشاه در حالیکه علائم تاثیر در چهره های آنها دیده می شد از هم جدا شدند. معزالدین کیقباد باز بامی گساری و خوشگذرانی پرداخت و آهسته آهسته جانب دهلی براه افتاد. این سفر را امیر خسرو با کمال استادی تعریف کرده است و سفر موفقتان را نده است ولی به قول خودش هنگام ورود بدهلوی حاضر نبوده. منظومه با شرح سیر و سفر خودش بعد از ملاقات دو پادشاه در او ده و بیان انگیزه او در نظم این داستان به پایان میرسد و طوری که می بینیم خسرو در این جاز شعر سرائی خسته شده است خواسته های بشر را پوچ میداند و صریحاً اظهار میدارد که این اشعار را برای بدست آوردن صلوة بساخته (۲) بلکه منظور از نظم داستان کسب شهرت بوده (۳) و این کلمات در واقع حلقه های زنجیری خواهد بود که در روز جزا به گردن او میاویزند.

(۱) همیشه تقوی است پسندیده فیر
 چون همه کسی خدمت سلطان کنند
 از همه و ز شاه پسندیده تر
 هر چه ز سلطان نگرند آن کنند

(۲) نژبی آن شد قلم سحر سنج
 منکه نهادم ز سخن گنج پا که
 کنز بی این ما ر نشینم به گنج
 گنج ز راندر نظر م چیست؟ خاک
 قران السعدین، چاپ علیگرم ۲۳۹

(۳) کامم ازین نامه عنوان کشای
 کانچه درین است جو بیند کسی
 نام بلند ست که ما ند بسجای
 یاد کنند از من مسکین بشی (۱)
 (۶)

خزاین الفتوح:

خزاین الفتوح تنها تاریخی است که امیر خسرو به نثر نوشته است و می تواند بهترین شاهد تاریخ نویسی امیر خسرو شمرده شود، زیرا آثار دیگر او را، که منظوم است، نمی توان از استفاده های شعری خالی دانست. برای خزاین الفتوح ارزش زیادی قایل شده اند (۱) زیرا کتاب مزبور تاریخی است که در زمان علاء الدین خلجی نوشته شده است. این کتاب به قسمت های کوچک تقسیم شده و هر کدام آن دارای عنوانی است که خواننده را از تلمیحات و استعارات و تشبیهات و کنایاتی که در آن قسمت بحث آمده مطلع می سازد. بیان کارروائی در خزاین الفتوح، بنا بر آن، از همان اول بحث تابع موازین اخلاقی است. کتاب با عبارت روانی در مدح خداوند، الفتح، و نعمت رسول آغاز می گردد. در حمد و نعمت مناسب حال آیات قرآنی تضمین شده. پس از حمد خدا و نعمت رسول مولف علاء الدین خلجی را مدح و در تالیف کتاب اظهار عجز می نماید.

و بعد از آن به بیان نوع و حدود کتاب می پردازد. در قسمتی که به «نسبت کلام حق و آیات» معنون است میگوید: (۲)

«درین کتاب که به بیان خزاین الفتوح تذهیب یافته است از فتح دیوگر که سهام کیش محمدی را الفهای انا فتحنا خواندند تا ضبط اراکال که گمان هائی لشکر منصور را نونهای سوره نصر من الله نبشند، بمفتاح العلوم قام از سد معانی یکی در بیان ارم و از قوارع این صحیفه شمشیر که آثار و انزلنا الحدید در حروف او واضح و حلیمه فیه باس شدید و منافع للناس در جواهر اولامح روشن شود که از آن سوره حدید چند سواد هنوداز صفحه روی زمین حک شده است و شرح هم که هم از آیت نورچه مقدار ظلمات کفر از راه دین و نحو گشته،

(۱) مثلاً K.S. Lal در History of the Khaljis (1290 - 1320)

(۲) خزاین الفتوح به اهتمام محمد وحید میرزا، چاپ ایشیا تیک سوسائیتی آف بنگال، ۱۹۵۳، ص ۶۰۵

تحت عنوان نسبت خلفا، می نویسد: اثری از مآثر جها ننداری این خلیفه (علاء الدین خلجی) محمد نام، ابو سکر صدق، عمر عدل نیز باز گویم که عثمان وار آیات رحمت ر ممانی را در جلد مصحف وجود چگو نه جمع آورده است و علی کر دار ابواب علم را در مدینه الاسلام دهلی بکلید احسان هر چه نمط باز کشاده» (۱)

امیر خسرو بعد ازین شرح جمله اول علاء الدین خلجی را بر دیو گر، ۶-۱۲۹۵/۱۹۵ با تخت نشینی او میآرد، و قتل سلطان ماضی را که برنی و عصامی آورده است ذکر نمیکند. شرح تخت نشینی سلطان تحت عنوان این نسبت قصه کلیم است، به این عبارات آغاز میگردد: (۲)

«چون مشیت ازلی بر آن جمله بود که دین محمد موسی قوت نیل شمشیر از سر جمله گئی فرا عنه کمر بگذراند و گنجای قار و نسی را یان از زیر زمین کشد و جاب نب کشند گان کافر عون فرماید و در دل هند وی گو ساله پرست آوازه بقره را خوار گرداند و بشعیب کمان شبان رعایای عالم شود تقدیر الهی الفغان (۳) مر جوم را که نزدیک اهارون بود مر موسی را بدو رسانید و مر ده ستمش عضدک باخسیک و نجعل لکما سلطانا در گوش دالو لئش دامید با بعشورت رای فر خنده او در روز عطار دو ماه سیام که از روزه نصف اول رفته بود و نصف اخیر بر جای مانده و در شمار آن پال موسی بر سر خضر رسیده و از وی جدا گشته چنانکه سر هاما ن بداشت

بیت

یعنی که چار شبهه و بگذشت شانزده از ماه و سال ششصد و پنجاه و هشتاد نام»

امیر خسرو هنر فرمانروائی را بر فتح مقدم می شمارد. علاء الدین در هنر فتح و فرمانروائی از دیگران جلو بود بطوریکه هیچ خامه ای قدرت بیان آنرا ندارد

(۱) خزاین الفنون، باهنام دکتر محمد وحید میرزا ص ۶ (۲) همان کتاب ص ۱۰-۱۱

(۳) الفغان Alf Khan

و آن مشتمل است بر داشتن خزانه انباشته، اعطای انعام، تقلیل مالیات، کم کردن نرخها و تعیین ناظرین برای مراقبت تجار و بازارها. بعد علاءالدین به قول امیر خسرو «شراب را که ام الخبائث است و بنت الکرم و همشیره نبشکر با جملگی شواهد آن کار از مجلس فساد برده صلاح باز آورد، ساحران و جادوگران را که امیر خسرو آنها را «کفتاران آدمی خواره» می نامد آنانکه به قول او «در گوشت و پوست اولاد و اطفال مردمان دندان بی خردی تیز میگرداند» سیاست کرد. قیمت غله را پانگهداشتن انبارها و باز کردن آنها هنگام قحط سالی ارزان ساخت بازاری برای البسه و بازار دیگری برای فوا که تعیین فرمود تا مردم بتوانند باقیمت نازل ازین جاها اشیای مورد احتیاج خود را بدست آرند (۱)

و از آن پس امیر خسرو عمارات دینی را که علاءالدین تعمیر، ترمیم یا توسعه داده است بیان می کند: (۲)

«طالبان سنگ از بی سنگی در اطراف شایستند بعضی چنگ در دامن کوه زدند و از بسکه در تحصیل سنگ عشق تمام داشتند عاشق وارد امن کوه را چاک چاک کردند و بعضی که در قلع بنیاد های کفر تیز تر از پولاد بودند آهنهای تیز کرده روی جهاد به صنم خاکی و ایمن آوردند و بازوهای آهنین را در شکستن سنگ نیروئی هر چه قوی تر دادند و بهر جا که بنحائنه در تعبدت کمر تعظیم بسته بود زبان متین بجث محکم اساس کفر را از دل اومی کند تا در حال آن بنخا نه سجده شکر بجای میا ورد» (۳)

به قول امیر خسرو سنگی که باین ترتیب بدست می آمد در عمارات جدید التاسیس به کار میرفت. ترمیم قلعه دهلی و تعمیر قلاع دیگر نیز شامل این کارهای عمرانی بود در آخر کارهای شایسته علاءالدین خلجی، امیر خسرو صاف کردن حوض شمسی را ذکر می نماید. بعد از پاک کردن حوض پاران نیامد و بنا بر آن علاءالدین مانند حضرت موسی دست بابتسقاء برداشت و دعای او قرین اجابت گردید.

(۱) همان کتاب ص ۲۲ (۲) همان کتاب ص ۲۳ (۳) همانجا ص ۲۵

پس از بیان این واقعه امیر خسرو میگوید: «بعد ازین کلید زبان را که بدندانهای
 لخردمشرف است در جنبش آرم، و بفتح باب آسمانی ابواب فتوح این جها نکشای
 باز کشایم و چند مقامه گفتار در صفت کشور گیری و قلعه کشائی این سکندر
 عهد اساس نهم، اولین فتوحاتی را که امیر خسرو نقل کرده است همان هائی است
 که در مقابل مغولها دست داده، در آن مولف شرح خالص فتوحات و موفقیت های
 بیهم را میآورد. فقرات ذیل نمونه ای است کامل از سبک ثبت وقایع فتح بقلم امیر خسرو
 عنوان آن عبارت است از: «نسبت رزم و بزم بین این جا»:

« چون صحن میدان مصاف ز اذ روی خون آلود تنار
 پر از هزاران هزار طاس شراب کردند و شگالان دشت را
 بر لب آب عشرت فرمودند و شیر گبیر گردانیدند بمیوهی و مبارکی
 عسا کر خلیفه عصر را جعل دوره مداماً فی قواریر السماء بمتابعت کمیت
 الغ خانی از ریختن خون می شوم مردار خواران قید و که هم ترک قی اند
 وهم شیر گبیر بقی اتفاق مراجعت شد خان مغفور سقا الله شراباً
 طهوراً اول شادی این فتح بزرگ را بمجلس نشایط بنشست و از
 زرو جواهر بر حریمان رزم و بزم سنگ انداز کرد و بعد از آن مست
 جام راحت بر عزم زمین بوس مجلس اعلی ز کاب گران گردانید

و طبقه اسرار که نقل دندان پیلان مست بوده اند در جرعه گاه قصاص آورد، (۱)
 چهار فتحی که مقابل مغول نصیب شده است باین انشای مبالغه آمیز بیان گردیده
 مسلم است که در بنجامولف، خواسته جنبه های سوق الجیشی، حیل حربی و فعالیت های
 فنی عسا کر را در این فتوحات بیان کند، یا موقعیت جغرافیائی میدان جنگ را
 نشان دهد. در آنجا که امیر خسرو میگوید: «موردی بصری که در
 امیر خسرو بعد ازین بدون آنکه سلسله وقایع را در نظر بگیرد بمدح فتوحات
 سلطان علاء الدین در گجرات، راجستان، مالوه و دیوگر میپردازد» نسبت دریا

و باران - چون بر شمشیر آبدار خدایگان بحر و بر آرایش خون کفره مغول بسیار شدخواست که آن لوس متر ا کم را بدر بای محیط یا ك بشو ید، (۱) پس در جمادی الاول ۶۹۹ فروری ۱۲۹۹ علاءالدین خلجی امر داد لشکری به کجرات فرستاده شود تا معبد سومنات را خراب کند. پس بتخانه سومنات راسوی کعبه معظم در سجود آوردند چون خیال بتخانه سرنگون ساز در دریا انداخت گوئی که آن بنگه اول نماز کرد و بعد از آن غسل، (۲)

پس از این در یک حمله: نتیهور (۳) فتح گردید و دار کفر دار اسلام شد امیر خسرو این واقعه را اینطور بیان میکند: «چون چتر آسمان سای ظل الله بر سر کوه رننپنپور سایه کرد و جهانگیر آفاق آفتاب و ابر سر بر بدروزان آن دیار از سر گرمی ایستاد نمود و روز عمر ایشان را در زوال افکند» (۴)

علاءالدین بعد از این متوجه هند و فتح مالوه گردید:

«چون نیزه و ران سیاه منصور میل رمح را از کحل رایان کجلی کردند و بعضی زمینداران بزرگ که بینا تر بودند از سیم پیکان دیده شکاف تر آکان طریق سخت چشمی و در قاحت در گوشه نهادند و دیدند کنان بدرگاه اشلی آمدند و از سودن سیاهی دیده سنگه آستان سلطنت راسر مه کردند و اسنخو ان خویش را از سر مه ان گشتن خاک با زر ها نیدند» (۵)

بحثی که فتح مالوه را بیان می کند تحت عنوان «نسبت چشم نگه کن روشن» آمده علاءالدین بعد ازین تصمیم گرفت چینو در افنج کند را میر خسرو آنرا اینطور تعریف میکند:

«نسبت رنگهای گوناگون - در آن روز که آن رای زرد روی از سهم

یلارک سبز بارگاه لعل فیروزی شعار پناه جست شجره ملک

(۱) همان کتاب ص ۴۶ (۲) همان کتاب ص ۴۸ (۳) Ranthambhor

(۴) کتاب مذکور ص ۵۰ (۵) همان کتاب ص ۵۰

را که در پایش تخت نامدار چو سپهر ا خضر سر سبز باد هنو ز
 صغرای خشم شاخ میزد . از آنجا که رای گیاه خوار خضرای
 رالرزان برسان سبزه پایمال پثر مرده وزیر سر ا چه دولت خزیده دهید
 اگر چه باغی بود نسیم اخلاق باد شاهانه نگذاشت که باد
 گرمی بر او وز داماسه موم قهر سوی باغیان دیگر وزانید و فرمان
 داد که هر هندوی سبزارنگ را هر جا که دریا بند چون سبزه تر و
 کاه خشک بدرونده (۱)

شرح جمله برارنگل (۲) اینطور آمده :

و بدان نمط کنم اکنون بیان فتح تلنگ - کر اتباع قلم پای
 وهم گرد تلنگ. بعد ضبط بیشتری عرصه جنوب اتفاق آن شد
 که زحل رویان ازنگل رایی سپر اهله تعال لشکر گردانند
 در شمار این سال دیده بودند که سر چشم بر سر تلنگ رسد و ازنگل
 گرفته شود ، از جمادی الاولی آخر ماه مانده بود، نظم:
 یعنی که بیست و پنج شده زاولین جماد

تاریخ سال هفصد و نه ازین در شمار
 که برهنمونی اختر سعدنوشیروان عصر بوز جمهر آفاق رابا
 گو کبه سپهر مدار و انجمن سیاره شمار بموافقیت سایبان لعل ظل
 الهی نامزد فرمود تا جنبیت اقبال را جانب جنوب عنان داد (۳)

این جمله، بذات خود با صنایع سرشار است. بی بیان شده است در محلی امیر خسرو می نویسد:

هر جانب راهی از ابریشم موسیقی باریکتر و هر جا عرصه از
 گیسوی چنگ بیچان تاریکتر، هر درازنای چنان تنگ که اگر باد
 درو آهنگ کند خراشیده گذرد، و هر رودی چنان هموار که رفتن
 آن بر بط بلکه بر عنقا دشوار باشد، بسیار مرد جسته زن بدعوی
 راه شاسی چپ و راست بلند، بها آهنگ می نمود، (۴) با قید دارد